Journal of Ilam University of Medical Sciences

P-ISSN: 1563-4728
E-ISSN: 2588-3135

Causal Model of Marital Boredom Based on Emotional Maturity and Social Maturity

Maryam Ali Cheshmeh Alaei[1], **Siamak Samani**[1*], **Nadereh Sohrabi**[1], **Hossein Baghouli**[1]

[1] Dept of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

Article Info

Article type:
Research article

Article History:
Received: 02 January 2022
Revised: 10 February 2022
Accepted: 05 March 2022
Published Online:26 February 2023

**** Correspondence to:***
Siamak Samani
Dept of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran.
Email:
Samanisiamak@gmail.com

A B S T R A C T

Introduction: This study aimed to explain the causal model of marital boredom based on emotional and social maturity among married people in Shiraz, Iran.

Material & Methods: This descriptive and correlational study was conducted on 362 married people (270 women and 92 men) married for 10 years and were selected by convenience sampling method. The data were collected using the Paynes' Marital Boredom Self-Report Scale (1996), Yashvir and Bhargava's Emotional Maturity Scale (EMS) (1991), and Rao's Social Maturity Scale (RSMS) (1973). In addition to descriptive statistics (mean, standard deviation, and correlation matrix), inferential statistics (structural equation model) were used to analyze the data of the aforementioned scales collected from the sample population by AMOS software.
(Ethic Code: ETHICS-2107-1014)

Findings: The results showed that emotional maturity predicts marital boredom negatively and significantly ($P<0.01$, $\beta= -0.69$); however, social maturity is not a significant predictor of marital boredom ($P<0.01$, $\beta= -0.09$). After calculating the model by considering the output correction indicators of AMOS software, this model was modified and fitted with eight indicators. In general, the results of this analysis confirmed a good model fit.

Discussion & Conclusion: The causal model showed that emotional maturity is able to predict marital boredom negatively and significantly. However, social maturity is not a significant predictor of marital boredom.

Keywords: Emotional maturity, Marital boredom, Social maturity

➢ **How to cite this paper**
AliCheshmehAlaei M, Samani S, Sohrabi N, Baghouli H. Causal Model of Marital Boredom Based on Emotional Maturity and Social Maturity. Journal of Ilam University of Medical Sciences. 2023;31(1): 81-94.

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

© The Author(s)
Publisher: Ilam University of Medical Sciences

مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام
JIUMS
P-ISSN: ۱۵۶۳-۴۷۲۸
E-ISSN: ۲۵۸۸-۳۱۳۵

الگوی علی دل‌زدگی زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی

مریم علی چشمه علایی[۱]، سیامک سامانی[۱*]، نادره سهرابی[۱]، حسین بقولی[۱]

[۱] گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷

نویسنده مسئول:
سیامک سامانی
گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

Email:
Samanisiamak@gmail.com

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف تبیین الگوی علّی دل‌زدگی زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی در میان افراد متأهل شهر شیراز انجام شد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی و از نوع همبستگی است که حجم نمونهٔ این تحقیق شامل ۳۶۲ نفر (۲۷۰ زن و ۹۲ مرد) از افراد متأهل است که در بازه ده‌سالهٔ زندگی زناشویی هستند و به شیوهٔ در دسترس انتخاب گردیدند. ابزار استفاده‌شده در این پژوهش شامل مقیاس خودگزارشی دل‌زدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶)، مقیاس بلوغ یاشویر سینگ و بهارگاوا/ EMS (۱۹۹۱) و مقیاس پرسش‌نامهٔ بلوغ اجتماعی رائو (۱۹۷۳) بود. برای تحلیل داده‌های حاصل از جمع‌آوری مقیاس‌های یادشده از جامعهٔ نمونه، علاوه بر آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی)، از آمار استنباطی (الگوی معادلات ساختاری) در نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش نشان داد که بلوغ عاطفی دل‌زدگی زناشویی را به‌صورت منفی و معنادار پیش‌بینی می‌کند (P<0.01، β=-0.69)؛ اما بلوغ اجتماعی پیش‌بین معناداری برای دل‌زدگی زناشویی نیست (P<0.01، β=-0.09). پس از محاسبهٔ الگو با در نظر گرفتن شاخص‌های اصلاح برون‌داد نرم‌افزار ایموس، این الگو اصلاح شد و با هشت شاخص برازش گردید. به‌طورکلی، نتایج این تحلیل نشان داد که الگوی نهایی برازش مطلوبی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: الگوی علّی نشان داد که بلوغ عاطفی قادر است دل‌زدگی زناشویی را به‌صورت منفی و معناداری پیش‌بینی کند؛ اما بلوغ اجتماعی پیش‌بینی‌کنندهٔ معناداری برای دل‌زدگی زناشویی نیست.

واژه‌های کلیدی: دل‌زدگی زناشویی، بلوغ عاطفی، بلوغ اجتماعی

استناد: علی چشمه علایی، مریم؛ سامانی، سیامک؛ سهرابی، نادره؛ بقولی، حسین. الگوی علی دل‌زدگی زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی. مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام، فروردین ۱۴۰۲؛۳۱(۱): ۹۴-۸۱.

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

CC BY NC

حق‌مؤلف © نویسندگان

مقدمه

تشکیل خانواده و ارتباطات زناشویی با ازدواج آغاز می‌شود. بر اساس نتایج پژوهش‌ها، عمدتاً عشق و محبت، داشتن شریک و همراه در زندگی، ارضای انتظارات عاطفی، روانی و افزایش شادی و خشنودی از علل اصلی ازدواج است (۱). هنگامی که زوج‌ها با یکدیگر روابط صمیمانه را آغاز می‌کنند، هر کدام با مجموعه‌ای از رؤیاها و انتظارات وارد رابطه می‌شوند و وقتی این رؤیاها و انتظارات با تنبیه و تجارب استرس‌زا و ناسازگاری جایگزین می‌گردند، رابطهٔ زناشویی آسیب می‌بیند و سرانجام به دل‌زدگی منجر می‌شود (۲). امروزه تعارضات زناشویی، دل‌زدگی و در ادامهٔ آن، فروپاشی روابط زناشویی مشکل عمدهٔ جامعه است که بر افراد، خانواده‌ها و اجتماع تأثیرات منفی بسیاری بر جای می‌گذارد و مشخصهٔ بارز آن ناامیدی و خشم نسبت به همسر و زندگی زناشویی است (۳). دل‌زدگی زناشویی که درمانگران بارها با آن مواجه می‌شوند، مشکلی است که در ۵۰ درصد از زوج‌ها مشاهده می‌گردد و به معنای نوعی حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است. می‌توان از علائم دل‌زدگی زناشویی می‌توان به کمبود عمومی اشتیاق و انرژی برای همسر و خانواده، نداشتن رضایت از همسر، فرسودگی عاطفی نسبت به اعضای خانواده و همسر و کم شدن علاقه و کاهش کارایی در امور خانوادگی و زناشویی اشاره کرد (۴). آسیب دل‌زدگی زناشویی نه‌تنها بر جامعه، بلکه بر افراد نیز به‌صورت‌های روان‌شناختی و جسمانی تأثیرگذار بوده است. مطالعات بسیاری در ادبیات پژوهشی راجع به پیامدهای دل‌زدگی صورت گرفته که بر اساس این تحقیقات مشخص شده است که دل‌زدگی با متغیرهای منفی بسیاری همچون افسردگی (۵)، استرس و سطح پایین رضایت از زندگی (۶) همبستگی دارد؛ همچنین مشکلات فیزیکی و هیجانی مانند خستگی، کمبود خواب، کاهش اشتها، سردرد، مشکلات گوارشی، اضطراب، ناامیدی و احترام نگذاشتن به خود، حساسیت بسیار و گریه کردن اغلب در افراد مبتلا به نشانگان دل‌زدگی دیده می‌شود (۷).

در پژوهش‌های گوناگون، علل و عوامل متعددی را در میزان بروز دل‌زدگی زناشویی مؤثر می‌دانند که مهم‌ترین آن‌ها عوامل درون‌فردی و ویژگی‌های شخصیتی، نداشتن صمیمیت هیجانی و حل نامؤثر تعارض‌ها است (۳)؛ همچنین به‌نظر می‌رسد، متغیر بلوغ عاطفی عامل تأثیرگذاری بر دل‌زدگی زناشویی است؛ زیرا بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف، بسیاری از اختلالات عاطفی مانند اضطراب، افسردگی و ناسازگاری زناشویی بیشتر در افرادی بروز پیدا می‌کند که از لحاظ عاطفی به رشد کاملی دست نیافته‌اند و بنابراین، در مواجهه با مسائل روزمرهٔ زندگی، احساس ناتوانی و کنترل نداشتن می‌کنند، به‌گونه‌ای که نبودِ بلوغ عاطفی مناسب می‌تواند تا ۴۶ درصد دل‌زدگی زناشویی را در خانواده پیش‌بینی کند (۸). دیگر نتایج پژوهش‌ها بیان‌کنندهٔ این امر است که متغیر بلوغ عاطفی با همهٔ متغیرهای زناشویی شامل درک و پذیرش همسر، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، اوقات فراغت، روابط جنسی، روابط با فرزندان و اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی رابطهٔ معنی‌داری دارد (۹)؛ همچنین بلوغ عاطفی پیش‌بینی‌کنندهٔ مهمی برای سطح موفقیت و سازگاری افراد در زندگی نیز به‌شمار می‌آید (۱۰)، به‌گونه‌ای که افراد با بلوغ عاطفی کمتر، هیجانات خود را نیز کمتر کنترل می‌کنند و ممکن است به موقعیت فشارزا تنها از طریق تخلیهٔ هیجانات و رفتارهای ناسازگارانه پاسخ دهند. بر اساس همین، ازدواج موفق نه‌تنها مستلزم بلوغ جسمانی است، بلکه بلوغ عاطفی با آمادگی‌های احساسی– هیجانی نیز از شرایط لازم در تحقق مطلوب آن است. درواقع، برخی افراد به بلوغ جسمی دست‌یافته‌اند؛ اما ممکن است هرگز از نظر عاطفی به بلوغ نرسند (۱۱). بلوغ عاطفی توانایی افراد برای مدیریت عواطف خود و همچنین ارزیابی حالت‌های عاطفی دیگران در روابط بین‌فردی، به‌منظور اتخاذ تصمیمات و اقدامات مناسب تعریف می‌شود (۱۲). هفت مؤلفهٔ صمیمیت، همدلی، ابراز وجود، ثبات روانی، استقلال، تعادل روانی و توانایی رعایت مورد عاطفی را به‌عنوان تعریف کاملی از بلوغ عاطفی معرفی می‌کنند (۹). انسانی که به بلوغ عاطفی رسیده باشد، فلسفهٔ زندگی معینی

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

دارد که بر اســاس آن می‌تواند از بحران‌های دائمی زندگی جلوگیری کند. چنین شــخصــی به پیشــرفت‌های فعلی خود متکی است و به گذشتهٔ خود، هرچند هم باشکوه بوده باشد، اتکایی ندارد و به کارهایی از قبیل امور جنسی، عشق، ازدواج و تربیت کودک با روشــن‌فکری می‌نگرد و چنین شــخصــی قدرت کنترل احساسات و عواطف خود را دارد (۱۳).

توانایی تحمل تنش ازجمله مهم‌ترین شاخصه‌های بلوغ عاطفی است و میان آن با بلوغ اجتماعی، یعنی پذیرش از سوی دیگران، ارتباط وجود دارد (۱۴). بلوغ اجتماعی سازه‌ای مرکب از مهارت‌های مختلف ازجمله کنترل احساس‌های خود، خودشناسی، گذراندن اوقات فراغت با خانواده و دوستان، رویارویی با اهداف زندگی و پیگیری فعالیت‌ها است. بلوغ اجتماعی از طریق کسب منش‌هایی صورت می‌گیرد که همگی شامل توانایی ایجاد ارتباط خوب و توانایی ابراز دوستی صمیمانه با دیگران است. شخصی که بلوغ اجتماعی دارد، می‌تواند با قوانین و ارزش‌های اجتماعی محیطی که در آن زندگی می‌کند، خود را سازگار نماید، از نظرها و خواسته‌های گروهی پیروی کند و برای نیازهای گروهی و اجتماعی تلاش نماید (۱۵). درواقع، افرادی که بلوغ مناسب عاطفی و اجتماعی ندارند، در بروز و مدیریت هیجانات خود ناتوان هستند که همین امر باعث افزایش نارضایتی و در ادامهٔ آن، بروز دل‌زدگی زناشویی می‌شود. گاهی نشانه‌های نارضایتی زوجین به حدی می‌رسد که یکی از سخت‌ترین حوادث زندگی افراد، یعنی طلاق، به وقوع می‌پیوندد. این طلاق و نارضایتی نه‌تنها بنیان خانواده را به مخاطره می‌اندازد، بلکه تهدیدی جدی برای جامعه نیز به‌شمار می‌آید (۱۶). درواقع، افزایش روزافزون تعارض‌های زناشویی در دنیای معاصر به علل گوناگون و همچنین خطر بروز جدایی و اثر منفی آن بر سلامت روانی زوجین موجب شده است که مشاوران و به‌ویژه خانوادهٔ درمانگران نظریه‌ها و طرح‌هایی را برای کمک به زوجین، به‌منظور جلوگیری از تعارض و طلاق ارائه دهند؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر آن است که در چارچوب یک الگوی علّی، به دل‌زدگی زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی بپردازد تا بتواند بستر مناسبی برای افزایش دانش موجود فراهم سازد. بر اساس این، فرضیهٔ پژوهش به این صورت طرح‌ریزی می‌شود: الگوی علّی بلوغ عاطفی، بلوغ اجتماعی و دل‌زدگی زناشویی از برازش کافی برخوردار است. الگوی مفهومی پژوهش در شکل شمارهٔ ۱ آمده است.

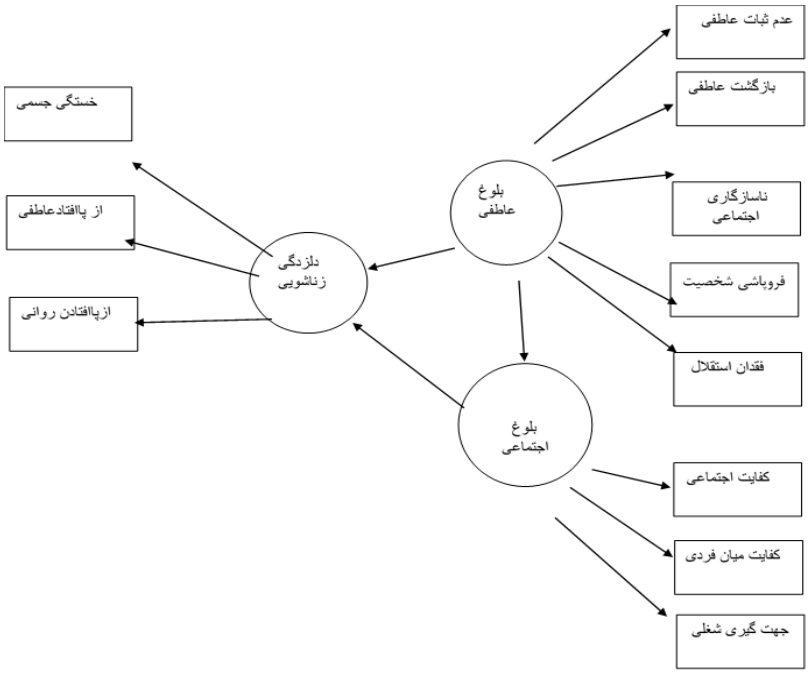

شکل شمارهٔ ۱. الگوی مفهومی پژوهش

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

مواد و روش‌ها

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی است که در چهارچوب آن، روابط مفروض میان متغیرهای الگوی پژوهش با استفاده از روش الگویابی معادلات ساختاری بررسی‌شده است. مطالعه حاضر با کد اخلاق ETHICS-2107-1014 در کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت تایید گردید.جامعهٔ آماری پژوهش حاضر را همهٔ افراد متأهل شهر شیراز تشکیل دادند که در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸، در بازه زمانی ده سال اولیهٔ زندگی مشترک قرار دارند، نمونهٔ این پژوهش شامل ۳۶۲ نفر از افراد متأهل بود که در بازه ده‌سالهٔ زندگی زناشویی هستند و با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیدند. درمجموع، تعداد ۲۷۰ نفر زن و ۹۲ نفر مرد در پژوهش شرکت کردند که ۲۲۰ نفر از آنان در مدت‌زمان ازدواج ۱ تا ۵ ساله و ۱۴۲ نفر نیز در بازه زمانی ازدواج ۵ تا ۱۰ سال بودند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌های خام پژوهش، پس از انتخاب جامعه و نمونه و توضیح دربارهٔ نحوهٔ پاسخ‌دهی به گویه‌ها، اطلاعات از طریق تکمیل سه مقیاس مربوط به سه متغیر پرسش‌نامهٔ بلوغ عاطفی (سینگ و بهارگاوا) و پرسش‌نامهٔ بلوغ اجتماعی (رائو) و پرسش‌نامهٔ دل‌زدگی زناشویی (پاینز) از سوی زوجین، به‌صورت حضوری و آنلاین جمع‌آوری شد. فرایند جمع‌آوری داده‌های خام ابتدا حضوری و پس از شیوع کرونا، از طریق پرسش‌نامهٔ آنلاین طی ۹ ماه تکمیل گردید. پیش از شروع کار، آزمودنی‌ها از موضوع، روش اجرا و هدف از انجام پژوهش مطلع شدند. به‌منظور اطمینان زوجین از محرمانه ماندن اظهاراتشان در مقیاس‌ها، هیچ‌گونه اطلاعات شخصی از زوجین درخواست نشد. با وجود این، پژوهشگر محرمانه ماندن اطلاعات جمع‌آوری‌شده را به آنان یادآوری کرد؛ همچنین از آزمودنی‌ها درخواست گردید تا به‌منظور بالا رفتن کیفیت پژوهش، بیشترین همکاری خود را با پژوهشگر انجام دهند.

ابزارهای پژوهش؛ مقیاس خودگزارشی دل‌زدگی زناشویی: مقیاس دل‌زدگی زناشویی ابزاری خودسنجی است که پاینز (۱۹۹۶) برای اندازه‌گیری درجهٔ دل‌زدگی زناشویی در میان زوج‌ها ابداع کرد. این پرسش‌نامه ۲۱ ماده دارد که شامل سه جزء اصلی خستگی جسمی (مانند احساس خستگی، سستی و داشتن اختلال خواب)، از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مانند احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) است. طیف پاسخ‌گویی آن از نوع لیکرت است و سطح ۱ معرف نداشتن تجربهٔ عبارت مدنظر و سطح ۷ معرف تجربهٔ بالای عبارت مدنظر است. برای به‌دست آوردن نمرهٔ آزمون دل‌زدگی زناشویی پاینز و نانز، باید دستورالعمل زیر را اجرا کرد:

مرحلهٔ اول: امتیازهایی که به موارد ۲۱، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۲، ۱ داده‌شده است، باهم جمع می شوند؛ مرحلهٔ دوم: امتیازهایی که به شماره‌های ۲۰، ۱۹، ۶، ۳ داده‌شده است، باهم جمع می‌گردند؛ مرحلهٔ سوم: امتیاز مرحلهٔ دوم از عدد ۳۲ کم می‌شود؛ مرحلهٔ چهارم: امتیاز مرحلهٔ اول با مرحلهٔ سوم جمع می‌شود؛ مرحلهٔ پنجم: عدد مرحلهٔ چهارم بر عدد ۲۱ تقسیم می‌گردد. عدد به‌دست‌آمده درجهٔ دل‌زدگی را نشان می‌دهد. گفتنی است که اعداد بزرگ‌تر بیانگر میزان دل‌زدگی بالاتر خواهند بود و برعکس.

روایی و پایایی ارزیابی ضریب اعتبار مقیاس دل‌زدگی زناشویی نشان داد که همسانی درونی میان متغیرها در دامنهٔ ۰/۸۴ و ۰/۹۰ قرار دارد که به‌وسیلهٔ همبستگی‌های منفی با ویژگی های ارتباطی مثبت مانند نظر مثبت دربارهٔ ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خودشکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبهٔ عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطهٔ جنسی آنان تأییدشده است (۱۷). ضریب اطمینان آزمون–بازآزمون ۰/۸۹ برای یک دورهٔ یک‌ماهه، ۰/۷۶ برای یک دورهٔ دوماهه و ۰/۶۶ برای دورهٔ چهارماهه بود. تداوم درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود. در ایران نیز، نویدی (۱۳۸۴) آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را ۰/۸۶ گزارش کرده است که حاکی از اعتبار مطلوب پرسش‌نامه است.

در پژوهش حاضر نیز برای بررسی روایی، از روش همسانی درونی و برای بررسی پایایی، از ضریب آلفای

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

© The Author(s)
Publisher: Ilam University of Medical Sciences

کرونباخ استفاده شد. برای محاسبهٔ همسانی درونی، همبستگی هریک از خرده‌مقیاس‌ها با نمرهٔ کل مقیاس بررسی گردید. همبستگی بعد جسمی، عاطفی و روانی با نمرهٔ کل مقیاس به‌ترتیب ۰/۸۵، ۰/۹۶ و ۰/۹۶ به‌دست آمد که بیانگر همسانی درونی مطلوب این مقیاس است؛ همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای بعد جسمی ۰/۷۸، بعد عاطفی ۰/۸۸، بعد روانی ۰/۸۸ و نمرهٔ کل مقیاس ۰/۹۴ به‌دست آمد.

پرسش‌نامهٔ بلوغ عاطفی: یاشویر سینگ و ماهیش بهارگاوا (۱۹۹۱) این مقیاس را تدوین کرده‌اند. سازندگان آزمون فهرستی از ۵ عامل کلی نداشتن بلوغ عاطفی تهیه نموده‌اند که عبارت‌اند از: ۱. نداشتن ثبات عاطفی؛ ۲. بازگشت عاطفی؛ ۳. ناسازگاری اجتماعی؛ ۴. فروپاشی شخصیت؛ ۵. نداشتن استقلال. طیف پاسخ‌دهی آن بر اساس لیکرت تنظیم‌شده است و مقیاس اندازه‌گیری این ابزار از «هرگز» تا «خیلی زیاد» تغییر می‌کند.

پرسش‌نامهٔ بلوغ عاطفی یک مقیاس گزارش شخصی پنج گزینه‌ای است (خیلی زیاد، زیاد، نامشخص، احتمالاً و هرگز) و پرسش‌ها طوری بیان‌شده است که اگر جواب مثبت «خیلی زیاد» باشد، نمرهٔ ۵؛ «زیاد» باشد، نمرهٔ ۴؛ پاسخ «نامشخص» باشد، نمرهٔ ۳؛ پاسخ «احتمالاً» باشد، نمرهٔ ۲ و به پاسخ «هرگز» نمرهٔ ۱ تعلق می‌گیرد؛ بنابراین، هر چه نمره بالاتر باشد، درجهٔ بالاتری از نداشتن بلوغ عاطفی وجود دارد و برعکس. بیشترین امتیاز، یعنی ۲۴۰، معرف بالاترین وضعیت عاطفی و کمترین امتیاز ۵۰ معرف باثبات‌ترین وضعیت عاطفی است.

روایی این مقیاس در برابر معیارهای بیرونی، یعنی پرسش‌نامهٔ سازگاری حوزهٔ «گها»، برای دانشجویان کالج از سوی سینها و سینگ تعیین شده است. همبستگی گشتاوری حاصل میان کل نمرات در ۲۱ پرسش حوزهٔ گها و کل نمرات در مقیاس بلوغ عاطفی ۰/۶۷ بوده است (۱۸). پایایی توسط آزمون-بازآزمون روی دانشجویان اندازه‌گیری شد که شامل دختران و پسران ۲۴-۲۰ ساله بودند. فاصلهٔ زمانی میان این دو آزمون ۶ ماه و همبستگی گشتاوری میان این دو اجرا ۰/۷۵ بود (۱۹).

در پژوهش حاضر نیز برای بررسی روایی، از روش همسانی درونی و برای بررسی پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. برای محاسبهٔ همسانی درونی، همبستگی هریک از خرده‌مقیاس‌ها با نمرهٔ کل مقیاس بررسی گردید. همبستگی ثبات نداشتن عاطفی، بازگشت عاطفی، ناسازگاری هیجانی، فروپاشی شخصیت، نداشتن استقلال با نمرهٔ کل مقیاس به‌ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۶، ۰/۷۶، ۰/۸۶ و ۰/۶۳ به‌دست آمد که بیانگر همسانی درونی مطلوب این مقیاس است؛ همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای نداشتن ثبات عاطفی ۰/۶۶، بازگشت عاطفی ۰/۷۴، ناسازگاری اجتماعی ۰/۶۱، فروپاشی شخصیت ۰/۷۸، نداشتن استقلال ۰/۵۰ و نمرهٔ کل مقیاس ۰/۸۸ به‌دست آمد.

مقیاس بلوغ اجتماعی: مقیاس بلوغ اجتماعی رائو (RSMS) شامل ۹۰ گویه است که به‌صورت گروهی، در موقعیت‌های معمولی کلاس درس اجرا می‌شود و سه بعد دارد: ۱. کفایت شخصی (جهت‌گیری شغلی، خود-رهبری و توانایی تحمل فشار روانی)؛ ۲. کفایت میان فردی (ارتباط، اعتماد معقول و همکاری)؛ ۳. کفایت اجتماعی (تعهد اجتماعی، تحمل اجتماعی و آمادگی برای تغییر). از ۹۰ سؤال پرسش‌نامهٔ بلوغ اجتماعی رائو (RSMS)، ۲۳ پرسش به‌صورت مثبت و ۶۷ پرسش به‌صورت منفی بیان شده است. در پرسش‌های مثبت برای «کاملاً موافق» نمرهٔ ۴، «موافق» نمرهٔ ۳، «مخالف» نمرهٔ ۲ و «کاملاً مخالف» نمرهٔ ۱ و در پرسش‌های منفی به‌ترتیب عکس، یعنی برای «کاملاً موافق» نمرهٔ ۱، «موافق» نمرهٔ ۲، «مخالف» نمرهٔ ۳ و «کاملاً مخالف» نمرهٔ ۴ داده می شود. برای محاسبهٔ نمرهٔ هریک از مقیاس‌های فرعی می‌توان از صفحهٔ نمره‌گذاری ارائه‌شده استفاده کرد. وزن‌های هریک از پرسش‌ها را به‌ترتیب در سطرهای صفحهٔ نمره‌گذاری وارد می‌کنیم. در خانه‌هایی که علامت مثبت (+) وجود دارد، وزن پاسخ‌ها به‌صورت مستقیم (۴، ۳، ۲، ۱) و در جاهای بدون علامت به‌صورت معکوس (۱، ۲، ۳، ۴) محاسبه می‌شود. از جمع هریک از ستون‌های نمرات، مقیاس‌های فرعی و از جمع ستون‌های ۱ و ۴ و ۷ نمرهٔ کفایت شخصی و ستون های ۲ و ۵ و ۸ نمرهٔ کفایت میان‌فردی و از جمع ستون‌های ۳ و ۶ و ۹ نمرهٔ کفایت اجتماعی به‌دست می‌آید و نمرهٔ کل بلوغ اجتماعی آزمودنی با جمع کردن نمرهٔ کفایت

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

شـخصـی، میان‌فردی و اجتماعی حاصـل می‌گردد و پس با مراجعه به جداول نرم، نمرهٔ هر فرد تفسیر می‌شود.

ضـریب اعتبار بازآزمایی کل پرسـش‌نامهٔ بلوغ اجتماعی ۰/۷۹ و ضـریب اعتبار بعد کفایت ۰/۸۹، کفایت میان‌فردی ۰/۷۳ و کفایت اجتماعی ۰/۷۰ است (۲۰). ضریب اعتبار این مقیاس با روش بازآمایی با فاصـلهٔ زمانی دو هفته، روی یک گروه ۲۵۰ نفری ۰/۵۳ محاسبه شد؛ همچنین ضریب اعتبار به روش هماهنگی درونی گویه‌ها محاسـبه گردید که میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به‌دست آمد.

در پژوهش حاضـر نیز برای بررسـی روایی، از روش همسـانی درونی و برای بررسـی پایایی، از ضـریب آلفای کرونباخ استفاده شد. برای محاسبهٔ همسانی درونی، همبستگی هریک از خرده‌مقیاس‌ها با نمرهٔ کل مقیاس بررسـی گردید. همبستگی بعد کفایت شـخصـی، کفایت اجتماعی و کفایت میان‌فردی با نمرهٔ کل مقیاس به‌ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۳ و ۰/۷۷ به‌دست آمد که بیانگر همسانی درونی مطلوب این مقیاس است؛ همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای کفایت شخصی ۰/۸۳، کفایت اجتماعی ۰/۷۱، کفایت میان‌فردی ۰/۷۹ و نمرهٔ کل مقیاس ۰/۸۰ به‌دست آمد.

پیش از آزمون الگو، ابتدا داده‌های پرت حذف و سـپس مفروضـات الگویابی معادلات سـاختاری ازجمله مفروضـهٔ طبیعی بودن، خطی بودن و نبود هم‌خطی چندگانه بررسـی گردید. مفروضـهٔ طبیعی بودن با اسـتفاده از شـاخص کجی و کشیدگی متغیرهای مشاهده‌شده بررسی شد. مقادیر کجی و کشیدگی مربوط به همهٔ متغیرهای مشاهده شده کمتر از ۲ و حاکی از آن بود که توزیع هیچ‌کدام از متغیرهای مشاهده‌شده با توزیع طبیعی تفاوت معناداری ندارد.

یافته‌های پژوهش

میانگین، انحراف اسـتاندارد، کمترین و بیشـترین نمرهٔ متغیرهای پژوهش در جدول شمارهٔ ۱ گزارش‌شده است .

جدول شمارهٔ ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها		میانگین	انحراف معیار	کمینهٔ نمره	بیشینهٔ نمره
بلوغ عاطفی	نداشتن ثبات عاطفی	۲۹/۷۰	۹۸/۵	۱۳	۴۴
	بازگشت عاطفی	۳۸/۱۰	۶/۳۸	۱۷	۵۰
	ناسازگاری اجتماعی	۳۶/۶۱	۴/۵۶	۲۳	۴۵
	فروپاشی شخصیت	۴۱/۰۳	۵/۷۶	۲۵	۵۰
	نداشتن استقلال	۲۷/۳۰	۳/۴۱	۱۶	۳۵
	بلوغ عاطفی (نمرهٔ کل)	۱۷۲/۷۵	۲۰/۵۰	۱۲۴	۲۱۶
بلوغ اجتماعی	کفایت اجتماعی	۶۹/۶۳	۵/۶۵	۵۳	۸۵
	کفایت میان‌فردی	۷۳/۲۲	۶/۱۴	۵۷	۸۹
	کفایت شخصی	۷۵/۸۲	۶/۳۴	۶۰	۹۲
	بلوغ اجتماعی (نمرهٔ کل)	۲۱۸/۶۸	۱۴/۷۹	۱۸۳	۲۶۰
دل‌زدگی زناشویی	جسمی	۱۲/۲۵	۴/۸۵	۴	۲۶
	عاطفی	۲۲/۰۲	۸/۴۷	۷	۴۷
	روانی	۲۴/۷۰	۹/۳۶	۸	۵۲
	دل‌زدگی زناشویی (نمرهٔ کل)	۵۸/۹۸	۲۱/۳۴	۱۹	۱۲۱

علاوه بر این، پیش از آزمون الگوی پژوهش، ابتـدا به‌منظور بررسـی چگونگی رابطهٔ متغیرهای پژوهش و اعتبار بخشـیدن به تحلیل‌های بعدی، همبسـتگی آن‌ها محاسـبه‌شـده است که نتایج در جدول شمارهٔ ۲ آورده شده است.

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

جدول شمارهٔ ۲. . ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳
۱. بلوغ عاطفی	۱		
۲. بلوغ اجتماعی	۰/۵۰**	۱	
۳. دل‌زدگی زناشویی	-۰/۵۸**	-۰/۲۹**	۱

مطابق با اطلاعات موجود در جدول شمارهٔ ۲، بلوغ عاطفی با دل‌زدگی زناشویی همبستگی منفی و معنادار و با بلوغ اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری دارد. علاوه بر این، همبستگی میان بلوغ اجتماعی با ابعاد دل‌زدگی زناشویی، منفی و معنادار است. درمجموع، نتایج ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش انجام الگوی معادلات ساختاری را امکان‌پذیر می‌سازد.

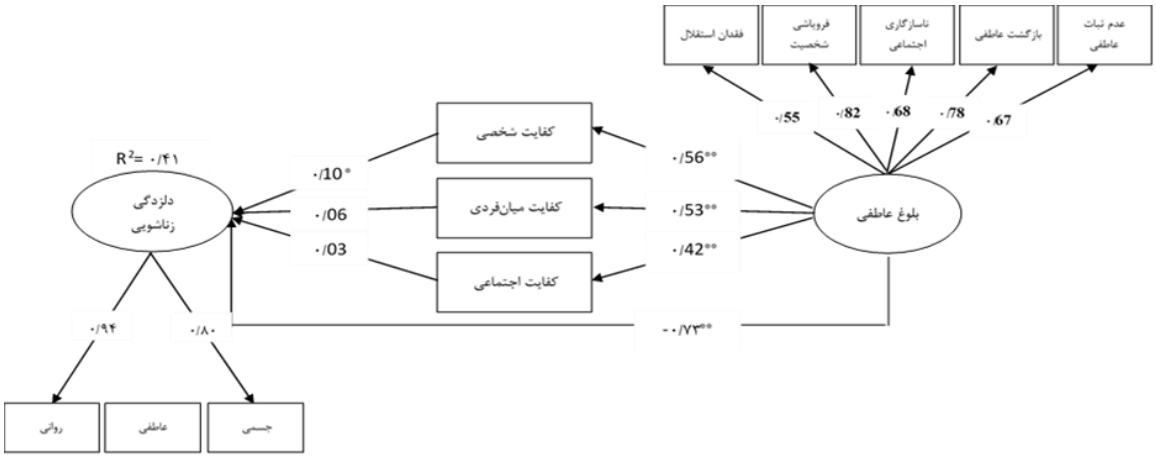

شکل شمارهٔ ۲. الگوی نهایی پژوهش

آثار مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای پژوهش در جدول شمارهٔ ۳ قابل‌مشاهده است.

جدول شمارهٔ ۳. آثار مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای پژوهش

مسیر	اثر مستقیم	P	اثر غیرمستقیم	P	اثر کل
بلوغ عاطفی به کفایت شخصی	۰/۵۶	۰/۰۱	-		
بلوغ عاطفی به کفایت میان‌فردی	۰/۵۳	۰/۰۲			
بلوغ عاطفی به کفایت اجتماعی	۰/۴۲	۰/۰۰۷			
بلوغ عاطفی به دل‌زدگی زناشویی	-۰/۷۳	۰/۰۰۹	۰/۱۰	۰/۰۱	-۰/۶۳
کفایت شخصی به دل‌زدگی زناشویی	۰/۱۰	۰/۰۴	-		
کفایت میان‌فردی به دل‌زدگی زناشویی	۰/۰۶	۰/۳۳			
کفایت اجتماعی به دل‌زدگی زناشویی	۰/۰۳	۰/۵۷			

همان‌طور که در جدول شمارهٔ ۳ ملاحظه می شود، بلوغ عاطفی اثر مستقیم منفی و معنادار بر دل‌زدگی زناشویی (P=0.009، β=-0.73) و اثر مستقیم مثبت و معنادار بر کفایت شخصی (P=0.01، β=0.56)، کفایت میان‌فردی (P=0.02، β=0.53) و کفایت اجتماعی (P=0.007، β=0.42) دارد. علاوه بر این، در میان ابعاد بلوغ اجتماعی، بعد کفایت

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

شخصی اثر مستقیم مثبتی بر دل‌زدگی زناشویی (P=0.04، β=0.10) دارد، درحالی‌که اثر مستقیم کفایت میان‌فردی و کفایت اجتماعی بر دل‌زدگی زناشویی معنادار نیست.

در رابطه با اثر غیرمستقیم همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، اثر غیرمستقیم بلوغ عاطفی بر دل‌زدگی زناشویی با مقدار ۰/۱۰ (P=0.01) معنادار است. درمجموع، اثر کل بلوغ عاطفی بر دل‌زدگی زنا شویی ۰/۶۳- است و در این الگو ۴۱ در صد از واریانس دل‌زدگی زنا شویی تبیین شده است.نتایج مربوط به آثار مستقیم متغیرهای پژوهش در جدول شمارهٔ ۴ گزارش‌شده است.

جدول شمارهٔ ٤. آثار مستقیم متغیرهای پژوهش (الگوی ساختاری)

	مسیر مستقیم	β	S. E	t	P
الگوی ساختاری	بلوغ عاطفی به کفایت شخصی	۰/۵۶	۰/۰۹	۹/۴۳	۰/۰۰۱
	بلوغ عاطفی به کفایت میان‌فردی	۰/۵۳	۰/۰۹	۹/۰۲	۰/۰۰۱
	بلوغ عاطفی به کفایت اجتماعی	۰/۴۲	۰/۰۸	۷/۲۸	۰/۰۰۱
	بلوغ عاطفی به دل‌زدگی زناشویی	-۰/۷۳	۰/۱۹	-۸/۲۴	۰/۰۰۱
	کفایت شخصی به دل‌زدگی زناشویی	۰/۱۰	۰/۰۷	۱/۸۲	۰/۰۵
	کفایت میان‌فردی به دل‌زدگی زناشویی	۰/۰۶	۰/۰۷	۱/۱۱	۰/۲۶
	کفایت اجتماعی به دل‌زدگی زناشویی	۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۶۳	۰/۵۲

همچنین وزن‌های رگرسیون الگوهای اندازه‌گیری مکنون در الگو تحلیل گردید. نتایج این تحلیل در جدول شمارهٔ ۵ گزارش‌شده است.

جدول شمارهٔ ۵. آثار مستقیم متغیرهای پژوهش (الگوی اندازه‌گیری)

	مسیر مستقیم	β	S. E	t	P
الگوی اندازه‌گیری	نداشتن ثبات عاطفی به بلوغ عاطفی	۰/۶۷	-	-	-
	بازگشت عاطفی به بلوغ عاطفی	۰/۷۸	۰/۰۹	۱۲/۷۴	۰/۰۰۱
	ناسازگاری اجتماعی به بلوغ عاطفی	۰/۶۸	۰/۰۶	۱۱/۴۲	۰/۰۰۱
	فروپاشی شخصیت به بلوغ عاطفی	۰/۸۲	۰/۰۸	۱۳/۱۸	۰/۰۰۱
	نداشتن استقلال به بلوغ عاطفی	۰/۵۵	۰/۰۵	۹/۳۴	۰/۰۰۱
	روانی به دل‌زدگی زناشویی	۰/۹۴	-	-	-
	جسمی به دل‌زدگی زناشویی	۰/۸۰	۰/۰۲	۲۱/۶۳	۰/۰۰۱
	عاطفی به دل‌زدگی زناشویی	۰/۹۵	۰/۰۲	۳۲/۶۷	۰/۰۰۱

همان‌گونه که نتایج مندرج در جدول شمارهٔ ۵ نشان می‌دهد، وزن‌های رگرسیون مربوط به دو الگوی اندازه‌گیری بیانگر معرف بودن همهٔ شاخص‌ها برای متغیرهای مکنون مربوطه است. از میان دو شاخص متغیر فروپاشی شخصیت، بعد بلوغ عاطفی (P=0.001، β=0.82) وزن بیشتری را در تعریف این متغیر مکنون دارد. دربارهٔ متغیر مکنون دل‌زدگی زناشویی، بعد روانی (P=0.001، β=0.94) قوی‌ترین شاخص است. در ادامه، نتایج به تفکیک فرضیه‌ها گزارش می‌شود.

بر اساس نتایج جدول شمارهٔ ۴، بلوغ عاطفی به‌طور منفی و مستقیم دل‌زدگی ز ناشویی را پیش‌بینی کرده است (P=0.001، β=-0.73). بلوغ عاطفی، کفایت شخصی (P=0.001، β=0.56)، کفایت اجتماعی (P=0.001، β=0.42) و کفایت میان‌فردی (P=0.001، β=0.53) را به‌طور مثبت و مستقیم پیش‌بینی کرده است. از میان ابعاد بلوغ اجتماعی، تنها بعد کفایت شخصی اثر مستقیم و معناداری بر دل‌زدگی زناشویی دارد (P=0.05، β=0.01)، درحالی‌که اثر

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

مستقیم دو بعد کفایت اجتماعی و کفایت میان‌فردی بر دل‌زدگی زناشویی معنادار نیست.

برای برآورد و تعیین معنی‌داری مسیر غیرمستقیم، از دستور بوت‌استراپ در نرم‌افزار AMOS استفاده گردید که نتایج در جدول شمارهٔ ۶ گزارش‌شده است.

جدول شمارهٔ ٦. آثار غیرمستقیم متغیرهای پژوهش

مسیر غیرمستقیم	β	حد پایین	حد بالا	P
بلوغ عاطفی به دل‌زدگی زناشویی	۰/۱۰	۰/۰۳	۰/۲۰	۰/۰۱

همان‌طور که نتایج جدول شمارهٔ ۶ نشان می‌دهد، اثر غیرمستقیم بلوغ عاطفی بر دل‌زدگی زناشویی معنادار است که این موضوع بیانگر سهم واسطه‌گری ابعاد بلوغ اجتماعی است.

به‌منظور بررسی برازش الگوی پژوهش از چندین شاخص معتبر استفاده شد که نتایج آن در جدول شمارهٔ ۷ آمده است. درمجموع، محاسبات صورت‌گرفته نشان‌دهندهٔ برازش مکفی برای الگوی نهایی است.

جدول شمارهٔ ۷. شاخص‌های برازش الگوی نهایی

شاخص	X^2/df	GFI	CFI	IFI	TLI	NFI	RMSEA	P CLOSE
مقدار	۲/۷۰	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۰۵	۰/۰۹

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی دل‌زدگی زناشویی بر اساس میزان بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی بود. نتایج پژوهش نشان داد که بلوغ عاطفی اثر منفی و معناداری بر دل‌زدگی زناشویی دارد. این یافته با نتایج پژوهش های فلاحتی و محمدی (۲۱)، نظرپور و همکاران (۲۲)، محمد شارونی و همکاران (۲۳)، پاموک (۲۴) و نین دیاسری (۲۵) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که بلوغ عاطفی به معنای توانایی نوعی خودکنترلی است که محصول تفکر و یادگیری است. درواقع، شخص با ثبات عاطفی، فردی است که زندگی عاطفی وی به‌خوبی تحت کنترلش است و توانایی تحمل تنش و در کنار آن، بی‌تفاوتی به برخی از محرک‌هایی را دارد که بر او اثر می‌گذارد و او را دستخوش احساسات می‌کند. او توانایی تنظیم کردن هیجانات، صمیمیت، همدلی، ثبات روانی و استقلال را دارد؛ همچنین دارای صمیمیت هیجانی مناسب به همراه رفتارهای عاشقانه و رمانتیک، حمایت هیجانی، توانایی در درک احساسات همسر و همدلی و واکنش مناسب در برابر آن، صمیمیت و مشارکت، همراهی و رفاقت و دل‌بستگی عاطفی است که همهٔ این موارد باعث جلوگیری از حس سرخوردگی و دل‌زدگی در طرف مقابل می شود. در ضمن، در افراد با بلوغ عاطفی بالا با توجه به ثبات هیجانی و مدیریت احساسات در هنگام تعارضات زناشویی، بخشش در زوجین بیشتر مشاهده می‌گردد و قابلیت بالا در مهار عواطف خود، به علت استفاده از پاسخ‌های مقابله‌ای مؤثر، در غلبه بر مشکلات موجود در روابط بین‌فردی و تعارضات فردی کفایت بیشتری دارد و سازگاری بالاتری در مواجهه با رفتارهای طرف مقابل دیده می شود. علاوه بر این، فرد رشدیافتهٔ عاطفی ظرفیت مقاومت در برابر تأخیر نیازها دارد و در برابر سرخوردگی و کمبودها در زندگی زوجی قادر به تحمل بیشتر است و توان برنامه‌ریزی بلندمدت و یا تجدیدنظر در بارهٔ انتظارات و خواسته‌های خود را دارد. به‌واسطهٔ رشد ویژگی استقلال، فرد با بلوغ عاطفی قادر می‌گردد در برابر القای افکار دیگران، در زندگی زوجی خود مقاومت کند و به‌جای پذیرش نگرش‌ها و الگوهای دیگران، به درک بهتر نگرش و رفتار آنان بپردازد. چنین فردی به‌اندازه‌ای از پختگی عاطفی می‌رسد که می‌تواند راه‌حل های پیچیده‌تری را برای مشکلات روزمرهٔ عاطفی خود بیابد و از احساس خود به‌صورت رشدیافته برای حل

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

مشکلات استفاده کند و از هرگونه دخالت اطرافیان در رابطهٔ زوجی خود جلوگیری نماید (۲۶). از سویی، در سمت مخالف، کسانی که به بلوغ عاطفی نرسیده‌اند، همواره نیازمند محبت و توجه هستند و ضعف‌های خود را پنهان می‌کنند، انتقادپذیر نیستند، حسادت می‌کنند، کمتر کسی را می‌بخشند، خلق‌وخوی ثابتی ندارند و کج‌خلقی می‌کنند و غر می‌زنند. عصبانیت، بی‌قراری، اضطراب، استرس، وابستگی شدید به خانواده، شک و تردید بی‌مورد، نداشتن اعتمادبه‌نفس و اعتماد به دیگران، پیش‌داوری ناصحیح در بارهٔ اطرافیان، نداشتن قضاوت صحیح دربارهٔ کارها و امور زندگی، ناتوانی در پذیرش مسئولیت، شتاب‌زدگی و عجله در کارها، از دست دادن فرصت در زندگی، پنهان‌کاری، همه را رقیب خود پنداشتن، خودخواهی و خودمحوری، فرافکنی، لجبازی و بی‌اعتنایی نسبت به مشکلات دیگران از مهم‌ترین ویژگی‌های افرادی است که به بلوغ عاطفی نرسیده‌اند و ازآنجاکه دل‌زدگی زناشویی شکل نهایی و شدت‌یافتهٔ استرس است؛ بنابراین، زوجین روان‌رنجور زمینهٔ مناسبی برای دل‌زده شدن دارند (۲۷).

همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، اثر غیرمستقیم بلوغ عاطفی بر دل‌زدگی زناشویی با مقدار ۰/۱۰ (P=0.01) معنادار است که این موضوع نشان‌دهندهٔ سهم واسطه‌گری ابعاد بلوغ اجتماعی در ارتباط میان بلوغ عاطفی و دل‌زدگی زناشویی است. در تبیین این نتیجه می‌توان به این نکته اشاره کرد که بلوغ عاطفی به‌تنهایی دل‌زدگی را کاهش می‌دهد. از سویی، بلوغ عاطفی باعث افزایش کفایت شخصی، کفایت میان‌فردی و اجتماعی می‌شود. محقق انتظار این را داشت که این سه بعد به‌طور غیرمستقیم، بر دل‌زدگی زناشویی اثر منفی داشته باشند که با افزایش آن‌ها، دل‌زدگی زناشویی کاهش پیدا کند و نتایج تحقیق خلاف این مسئله را نشان می‌دهد. از میان سه بعد، صرفاً بعد کفایت شخصی به‌صورت مثبت میان بلوغ عاطفی و دل‌زدگی زناشویی واسطه‌گری می‌کند. به‌نظر می‌رسد، برای تبیین و تشخیص همه‌جانبه به کار کیفی دراین‌باره نیاز است که علاوه بر بررسی کمی، بعد بافت و فرهنگ نمونهٔ موردبررسی هم در پژوهش در نظر گرفته شود.

آزمون برازش الگوی نظری تحقیق، با تأکید بر هشت شاخص نکویی برازش می‌توان به الگوی تدوین‌شده از یک‌سو و یافته‌های پژوهش از سویی دیگر تأکید داشت؛ بنابراین، انطباق مطلوبی میان الگوی به‌تصویردرآمده با داده‌های پژوهش فراهم شده است و با تأکید بر معادلات ساختاری الگوی مناسبی در زمینهٔ رابطهٔ میان متغیرهای مستقل، وابسته و واسطه طراحی گردیده و برازش مطلوب معرف الگویابی معادلات ساختاری است. در تبیین برازش الگوی علّی بالا باید خاطرنشان کرد که هماهنگی متغیرهای استفاده‌شده در الگوی مفروض برخاسته از حوزه‌های روان‌شناختی نزدیک به یکدیگر بوده و طبیعتاً این امر بر منسجم بودن و هماهنگی الگوی به‌دست‌آمده تأثیرگذار بوده است؛ همچنین بر اساس الگوی نهایی به‌دست‌آمده، نسبت مجذور کای به درجهٔ آزادی برابر با (۲/۷۰) است و نیز ضریب شاخص ریشهٔ میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۵، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۴، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر ۰/۹۲، شاخص برازندگی هنجارشده (NFI) برابر با ۰/۹۵ و شاخص برازندگی افزایشی (IFI) برابر ۰/۹۷ و معرف برازش الگوی محقق است. اثر کل بلوغ عاطفی بر دل‌زدگی زناشویی ۰/۶۳- است و در تبیین این نتیجه می‌توان به این نکته اشاره کرد که نقش واسطه‌گری بلوغ اجتماعی در این الگو قویاً مورد تأیید قرار نگرفته است و در توجیه علت آن می‌توان به این علت اشاره کرد که شاید پرسش‌نامهٔ حاضر بلوغ اجتماعی، محتوای مناسبی برای سنجش بلوغ اجتماعی لازم برای زندگی زناشویی را نمی‌سنجد و در قالب یک تحقیق کیفی، به بررسی و ساختن پرسش‌نامه برای ورود به زندگی زناشویی نیاز است. این عامل و عامل‌های موجود در این الگو نقش واسطه‌گری بسیار نیرومندی را در الگو بازی نکرده‌اند و به‌نظر می‌آید، بلوغ عاطفی هم ضریب همبستگی بالایی با بلوغ اجتماعی دارد و توانسته است متغیر بلوغ اجتماعی را به‌نوعی از الگو خارج کند و خودش نقش اصلی را بازی نماید. از سویی، شاید این الگو نشان می‌دهد که در دل‌زدگی

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

زناشـویی که ابعاد جسـمی و عاطفی و روانی دارد، بلوغ عاطفی نقش مؤثرتری بازی می‌کند و در انتخاب همسر و در تبیین مداخلات درمانی در حوزهٔ خانواده و زوج‌درمانی، بر توجه به بلوغ عاطفی در این الگو تأکید شـده اسـت و هم درمانگران و هم محققان باید به بلوغ عاطفی به‌عنوان پیش‌نیاز برای جلوگیری از دل‌زدگی زنا شویی عنایت خا صی دا شت باشـند. این الگو نشـان می‌دهد که هرچه فرد بلوغ عاطفی بیشتری داشته باشد، ریسک ابتلا به دل‌زدگی زناشویی او در ابعاد جسمی، عاطفی و روانی کمتر می شود. بر ا ساس همین الگوی کلی شـا ید بشـود این نتیجه را هم گر فت که از پیش‌نیازهای اصـلی در تعاملات بین‌فردی و زناشـویی مسـئلهٔ بلوغ عاطفی اعم از ثبات عاطفی، سازگاری و ثبات شخصیت و احسـاس اسـتقلال عاطفی محیاکنندهٔ موفقیت در تعاملات اجتماعی به‌طور خاص در روابط زناشـویی اسـت. در یک نتیجه‌گیری کلی بر اسـاس این الگو شـاید بتوان به این نکته اشـاره کرد که بلوغ عاطفی می‌تواند تضـمین‌کنندهٔ مهمی بر دلدادگی زناشـویی به‌شـمار آید. با توجه به چشـمگیر نبودن نقش واسـطه‌گری بلوغ اجتماعی و به‌طور ویژه ابعاد آن (کفایت شـخصـی و کفایت میان فردی و کفایت اجتماعی)، شـاید مناسـب‌تر آن دیده شـد تا در قالب یک الگوی اصـلاح‌شـده که طی آن، بلوغ اجتماعی به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌گر هم‌ارز با بلوغ عاطفی در نظر گرفته شود.

این پژوهش بینش وسـیعی را دربارهٔ رابطهٔ دل‌زدگی زناشـویی و بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی و نحوهٔ تأثیرپذیری این سـه متغیر از یکدیگر به‌وجود می‌آورد؛ به این معنا که سـازوکار و نحوهٔ تأثیرگذاری بلوغ عاطفی بر ریز متغیرهای بلوغ اجتماعی و آثار غیرمستقیم آن را بر دل‌زدگی زنا شویی تفهیم می‌کنـد و این می‌توانـد برای مشـاوران خـانواده، روان‌شناسان بالینی و به‌طورکلی برای کسانی که با آموزش و مشاوره سروکار دارند، کاربرد فراوانی در مواجهه با مشکلات زوجین و راهکارهای پیشگیری از آن داشته باشد.

با مروری بر پژوهش‌های پیشین نتیجه‌گیری شد که بیشتر تحقیقات صورت‌گرفته دربارهٔ رابطهٔ بلوغ عاطفی و اجتماعی و دل‌زدگی به‌صـورت جداگانه بوده اسـت و پژوهشـی که به‌صـورت دقیق و منسـجم به بررسـی این متغیرها به‌صـورت الگو بپردازد، وجود نداشـته اسـت با توجه به این سـاختار، پژوهش حاضر الگوهای معتبری برای مداخلات روان‌شناختی بـه‌منظور افزایش بلوغ عـاطفی و بلوغ اجتمـاعی و کـاهش دل‌زدگی زناشویی فراهم می‌کند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضـر می‌توان به این نکات اشـاره کرد: ازآنجاکه شـیوهٔ جمع‌آوری اطلاعات به‌صـورت خوداظهاری بود، کنترل تأثیر مطلوبیت اجتماعی در آن نهفته اسـت؛ به عبارتی، در خودگزارشـی‌ها، آزمودنی‌ها اغلب گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که آنان را بهتر جلوه دهد که این مسـئله به کاهش کارایی ابزار اندازه‌گیری منجر می‌شـود؛ همچنین امکان جمع‌آوری نمونه از زوجین به علت د ستر سی نداشـتن، امکان‌پذیر نبود. محدود کردن ابزار سـنجش و جمع‌آوری اطلاعات به پر سش‌نامه و ا ستفاده نکردن از سایر روش‌های جمع‌آوری اطلاعات ازجمله مشاهدات، مصاحبه و روش‌های آزمایشی که می‌توانست بر بار علمی این تحقیق بیفزایـد و اعتبـار یـافتـه‌هـای آن را افزایش دهـد، از دیگر محدودیت‌های این تحقیق بود.

بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌گردد تا برنامه‌های مداخله‌ای برای آموزش و ارتقای بلوغ عاطفی و اجتماعی افراد برای دو گروه در نظر گرفته شـود: گروه اول افرادی که در مرحلهٔ پیش از ازدواج و انتخاب همسـر قرار دارند که باید علاوه بر آموزش های لازم، از لحاظ سـطح بلوغ عاطفی ارز یابی و بررسـی گردند و در صـورت نیاز، کلاس های آموزشی مناسبی برای آنان طراحی شود و گروه دوم زوجینی که ازدواج‌کرده‌اند که می‌توان با آموزش کنترل هیجانات، مدیر یت و بروز هیجانات و همهٔ عامل های بلوغ عاطفی و اجتماعی از بروز دل‌زدگی و تعارضـات زناشـویی جلوگیری کرد.

نتایج پژوهش حاضـر بینش وسـیعی را در بارهٔ رابطهٔ دل‌زدگی زناشـویی و بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی و نحوهٔ تأثیرپذیری این سـه متغیر از یکدیگر به‌وجود می‌آورد؛ به این معنا که سـازوکار و نحوهٔ تأثیرگذاری بلوغ عاطفی بر ریز متغیرهای بلوغ اجتماعی و آثار غیرمستقیم آن را بر دل‌زدگی

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

زناشـــویی را تفهیم می‌کند و این می‌تواند برای مشـــاوران خانواده، روان شنا سان بالینی و به‌طورکلی برای کسانی که با آموزش و مشاوره سروکار دارند، کاربرد فراوانی در مواجهه با مشـــکلات زوجین و راهکارهای پیشـــگیری از آن داشـــته باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان از همهٔ کسانی که با همکاری صمیمانهٔ خود، در انجام این پژوهش در دانشـــگاه آزاد اســـلامی واحـد مرودشت یاری رساندند، کمال تشکر را ابراز می‌دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می کنند که هیچ گونه تضاد منافعی ندارند.

کد اخلاق: ETHICS-2107-1014

References

1. Zakeri F, Saffariantoosi MR, Nejat H. The Role of Self-Compassion Moderator in the Effect of Alexithymia and Interpersonal Problems on Marital Boredom in Maladjusted Women. J Posit Psychol 2020;5:35-50. doi:10.22108/ppls.2020.115339.1662.
2. Fotohi S, Mikaeili N, Atadokht A, Hajlo N. Comparing the effectiveness of meta-emotion-based couple therapy with narrative couple therapy on adjustment and cuople burnout in conflicting couples. QCCPC 2018; 9:77-101. doi: 10.22054/QCCPC.2018.27362.1672.
3. Kamalian T, Mirzahosseini H, Monirpoor N. The Effects of Emotional Schema Therapy and Differentiation Training on Emotional Divorce in Women. J Client- Centered Nurs Care 2021; 7:65-74.
4. Nazari A, Rasouli M, Davarniya R, Hosseini A, Babaei Gharmkhani M. Effectiveness of solution-focused brief therapy (SFBT) on couple burnout and divorce tendency in married women. IJPN 2015;3:41-52. [Persian]
5. Gito M, Ihara H, Ogata H. The relationship of resilience, hardiness, depression and burnout among Japanese psychiatric hospital nurses. J Nurs Educ Pract 2013; 3:12. doi:10.5430/jnep. v3n11p12.
6. Kim JS, Lee YS. Study on fatigue, stress and burnout of pregnant nurses. Korean J Occup Health Nurs 2013; 22: 208-17. doi:10.5807/kjohn.2013.22.3.208.
7. Kozak A, Kersten M, Schillmöller Z, Nienhaus A. Psychosocial work-related predictors and consequences of personal burnout among staff working with people with intellectual disabilities. Res Dev Disabil 2013; 34: 102-15. doi: 10.1016/j.ridd.2012.07.021.
8. Harandi RJ, Rajaie Moosavi SF. Relationship between emotional maturity, perceived social support and emotional atmosphere of the second grade high school students in Qom. J New Thought Edu 2019; 15:45-62. (Persian) doi:10.22051/JONTOE.2019.20580.2235.
9. Bazrgar, Honarparvaran N. Comparation emotional matiurity in people tends to affair and normal . J New Adv Behav sci 2020 ;4:17-25. (Persian)
10. Zonash R, Arouj K. Social Intolerance and Psychological Distress among Cardiac Patients: Moderating Role of Emotional Regulation. Pak J Psychol Res 2017:273-96.
11. Sharifi Rigi A, Mehrabizade Honarmand M, Beshlideh K, Sarparast A, Khanali Nejad S, Amini Z. Mediating Role of Distress Tolerance in Relationship of Emotional Maturity and Spiritual Intelligence with Adjustment to University. J Res Relig Health 2019; 5: 87-100. doi: 10.22037/jrrh. v5i1.19401.
12. Rafeedali E. Influence of self-concept and emotional maturity on leadership behaviour of secondary schools' heads in Kerala, India. Eur J Educ Stud 2017; 3. doi:10.46827/ejes.v0i0.434.
13. Mokhtari B, Farah Bakhsh K. Predicting the emotional maturity of female high school students based on attachment style and the degree of differentiation of mothers in Najafabad. J Appl Res Cons 2019; 5. (Persian)
14. Viscermi A, Abdollahi Moghaddam M. Compare emotional and social maturity and sensation seeking in adolescents and ordinary criminals Khorramabad. Rooyesh-e-Ravanshenasi 2019; 8. (Persian)
15. Devine MA, Dawson S. The effect of a residential camp experience on self-esteem and social acceptance of youth with craniofacial differences. Ther Recreat J 2010; 44: 105-20.
16. Taniguchi ST, Freeman PA, Taylor S, Malcarne B. A study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation. J Exp Educ 2006; 28: 253-56. doi:10.1177/105382590602800309.
17. Pines AM, Nunes R. The relationship between career and couple burnout: Implications for career and couple counseling. J Employ Couns 2003;40:50-64. doi:10.1002/j.2161-1920.2003.tb00856.x.

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]

18. Gholampour F, Hafezian M, Kazemian M, Damirchi QV, KazemiKani B, Gholizadeh S. Reviewing the different dimensions of emotional maturity in high school 3rd grade students. Arab J Bus Manag Rev 2013; 3: 78.
19. Imani R, Moheb N. The relationship between mothers' emotional maturity and their children's behavioral disorders. J Woman Family Stud 2009; 2: 29-49. (Persian)
20. Fink E, de Rosnay M, Peterson C, Slaughter V. Validation of the Peer Social Maturity Scale for assessing children's social skills. Infant Child Dev 2013; 22: 539-52. doi: 10.1002/icd.1809.
21. Falahati F, Mohammadi M. Prediction of marital burnout based on automatic negative thoughts and alexithymia among couples. JMRH 2020;8:2211-9. doi:10.22038/jmrh.2020.43917.1522
22. Nazarpour D, Zahrakar K, Pouryahya M, Davarniya R. Effectiveness of couple therapy based on imago relationship therapy: Its impact on couple burnout. Neurosci J Shefaye Khatam 2019; 7: 51-60. doi: 10.29252/shefa.7.4.51. (Persian)
23. Mohammad Sharooni R, Shokri O, Hosseinzadeh Taghvaei M, Danesh E. The Modeling of Structural Relationship of Marital Conflict Concerning Attachment Styles, Narcissism Sensation Seeking, and Marital Burnout in Couples. MEJDS 2020. 10:23. (Persian)
24. Pamuk M, Durmuş E. Investigation of burnout in marriage. J Hum Sci 2015;12:162-77.
25. Nindyasari Y, Herawati T. The relation of emotional maturity, family interaction and marital satisfaction of early age married couples. J Fam Sci 2018; 3: 16-29. doi:10.29244/jfs.3.2.16-29.
26. Bakhshizadeh f, Samani s, Khayer m. A Causal model, self-differentiation and Morital Satisfaction. J Women Society 2019; 10: 31-46. (Persian)
27. Bahramimashoof R, Ahmadi S, Rasouli M. Mediating role of emotional expressivness in the relationship between cognitive emotion regulation strategies and marital satisfaction. J Woman Family Stud 2022; 10: 32-52. doi: 10.22051/jwfs.2022.30614.2374.

[Downloaded from sjimu.medilam.ac.ir on 2026-10-06]